



معرفی مناقب عبداللطیف اثری تقریبی در قرن دهم هجری

نویسنده: فرهی، عبدالله

ادبیان و عرفان :: مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی :: بهار 1392 - شماره 31

از 60 تا 66

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/980133>

دانلود شده توسط : عبدالله فرهی

تاریخ دانلود : 1393/06/19 11:35:57

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.com

معرفی مناقب عبداللطیف اثری تقریبی در قرن دهم هجری



۶۰

مطالعات اثنی عشری در اسلام
شماره ۳۱۵، بهار ۱۳۹۲
سال هشتم

■ عبدالله فرهی

عضو هیئت علمی گروه تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی

farrahi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۵
مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

چکیده

مناقب‌نگاری ائمه در عهد صفویه را می‌توان مهم‌ترین رویکرد مورخان این عصر در توجه به تاریخ صدر اسلام دانست؛ چرا که پادشاهان صفوی مشروعیت خود را از امامت اهل بیت داشتند و نه خلافت خلفا. بنابراین مورخان برخلاف قدمای خود به جای نظریه خلافت به نظریه امامت و ولایت تمایل یافتند. این نوع مناقب‌نگاری را می‌توان دنباله مناقب‌نگاری صوفیانه سنی و شیعه در عصر پیش از صفویه دانست که مفهوم «شیعه اثنی عشریه» از مفاهیم اصلی و کلیدی در این آثار بود. مناقب عبداللطیف دقیقاً در راستای چنین اندیشه‌ای تألیف یافت. عبداللطیف از عدد ۱۲ در بیان مراحل آفرینش و از نور محمدی و اهل بیت عصمت و طهارت به عنوان سرمنشأ خلقت بهره برده است. به نظر می‌رسد که این اثر، اثری حکومتی و البته در عین حال عوام‌پسندانه باشد که به ذکر اشعار فراوان در بیان مناسبت‌های گوناگون زینت یافته است.

کلیدواژه‌ها: مناقب‌نگاری، شیعه اثنی عشریه، صفویه، مناقب عبداللطیف.

مقدمه

این گونه تألیفات از آغاز حاکمیت صفویان (۹۰۷ق) بر ایران به سبب فراهم شدن فضای بازتر مذهبی و نیز حمایت‌های مستقیم و غیر مستقیم شاهان صفوی از تدوین کتابهای علمی - مذهبی، رو به افزایش نهاد. این مسئله، به ویژه در عهد شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ق) که خود مشوق مؤلفان و مترجمان بود، رونق بیشتری یافت. به طوری که تنها به فرمان وی دو کتاب در موضوع سیره به قلم علی بن حسن زواره‌ای (د ۹۸۸ق) نویسنده و مترجم پیرکار این عصر، تألیف و ترجمه شد. زواره‌ای در اهمیت مناقب‌نگاری و آشنایی با مناقب اهل بیت تا آنجا پیش رفت که آن را واجب شمرد: «بر همه کس واجب و لازم است که در تحقیق احوال و آثار و تفتیش مناقب و اخبار ایشان نهایت سعی و کمال اجتهاد به تقدیم رسانند و قدم ثبوت و رسوخ در منهج راست و مسلک درست نهند تا از لمعان انوار ایشان مستفیض گشته از ظلمات شبهات باطله برهند، و از درکات اهل شقاوت و نفاق خلاصی یافته به درجات عالیات ارباب سعادت و وفاق برسند»^۱.

جز کتابهای نوشته شده به دستور شاهان و دولتمردان صفوی، تألیفاتی نیز به نام ایشان تألیف و به آنان تقدیم می‌شد که شمار آنها در این دوران بسیار است. این رویه، در اواخر عهد صفوی به اوج خود رسید، به طوری که در دوره شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ق) بیش از ۱۳۰ کتاب به نام وی نوشته شد. تأثیر غیر مستقیم حاکمیت صفویان بر افزایش مناقب‌نگاری که از طریق فراهم شدن زمینه مساعدتر برای فعالیت نویسندگان شیعه و آزادی عمل بیشتر عالمان شیعه برای ابراز عقایدشان و ترویج مذهب تشیع تجلی یافته بود، موجب خرسندی آنان شد و این خرسندی را می‌توان در تجلیل و تمجیدهای مؤلفان مذکور در مقدمه کتابهایشان از شاهان صفوی و عملکرد ایشان در ترویج و تعالی مذهب تشیع مشاهده کرد.^۲ برای

نمونه می‌توان به محمد بن اسحاق حموی اشاره نمود.^۳ بدین ترتیب، در عصر صفویه تألیفات متعددی شامل ۱۹ کتاب در سیره ۱۲ امام (ع) و ۱۴ کتاب در مناقب ایشان به رشته تحریر درآمد که در اینجا تنها به ذکر نام شماری از آنها بسنده می‌کنیم: انیس المؤمنین^۴ نوشته محمد بن اسحاق حموی (زنده در ۹۳۸ق)، تاج المناقب نوشته حسین بن عبدالحق اردبیلی (د احتمالاً ۹۵۰ق)، لوامع الانوار نوشته حسن بن علی زواره‌ای (د احتمالاً ۹۸۸ق)، اخبار علیه در غزوات مرتضویه نوشته محمد فصیح خاکسار در سال ۱۰۵۷ق، احسن السیر نوشته محمد کاظم شوشتری فرزند مجتهد حیدر علی در سال ۱۱۴۱ق، فوحات القدس نوشته سید یوسف علی بن محمد جرجانی (قرن یازدهم قمری)، ترجمه الارشاد نوشته محمد مسیح کاشانی (قرن یازدهم قمری)، حلیه الابرار و نیز مدینه المعاجز نوشته سید هاشم بحرانی (د ۱۱۰۷ق)، التثمه فی معرفه الاتمه نوشته سید تاج‌الدین بن علی عاملی (قرن یازدهم قمری)، کاشف الغمّه نوشته میرزا محمد بن محمدرضا قمی (د ۱۰۷۵ق)، ریاض الابرار نوشته سید نعمت الله بن عبدالله شوشتری موسوی جزایری (۱۱۱۲ق)^۵ و آناری ادبی همچون اساس الایمان سروده سید محمد موسوی متخلص به «واله» (۱۰۹۵-۱۱۸۴ق)^۶ و امام نامه سروده^۷ اکرم در ۲۰ صفر ۱۱۹۳ق.^۸

۴. رک: انیس المؤمنین. صص ۱۷۷ و ۱۷۸.

۵. در سال ۹۳۸ق نوشته شده است. نویسنده نخست منهج الفاضلین را به تفصیل به فارسی نگاشته و سپس این کتاب را از آن برگزیده است (نک: فهرست‌واره کتابهای فارسی، ج ۳، ص ۱۵۵۶).

۶. این کتاب به زبان عربی است و در سال ۱۲۶۱ق توسط حاجی محمد بن غلام با خط نسخ کتابت شده است (نک: فهرست رایانه‌ای نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، از ۲۲۷ تا ۵۵۳، ص ۵۳۵).

۷. این کتاب در احوال ۱۲ امام است. واله در خراسان زاده شد، در حیدرآباد شکوفا شده و در هند درگذشته است. در آن ۲۰ سال کار کرده و در ۱۲ «اساس» و یک «خانمه» در سن ۵۰ سالگی به اتمام رسانده است. نجم‌الهدی یکی دیگر از آثار وی می‌باشد که همانند اثر ذکر شده، به نادرست از واله داغستانی دانسته شده است (نک: فهرست‌واره کتابهای فارسی، ج ۳، ص ۱۵۴۴).

۸. سراینده از مردم گورالی (نزد گجرات پنجاب پاکستان) بوده است. این اثر یک نسخه برجای مانده است (نک: همان، ج ۳، ص ۱۵۵۱).

۹. رک: معجم ما کتب عن الرسول و اهل‌البيت، ج ۱۰ و ۱۱؛ فهرست‌واره کتابهای فارسی، ج ۳.

۱. الذریعه، ج ۲۲، ص ۳۶۸؛ ترجمه المناقب، ج ۱، صص ۱۲ و ۱۳، مقدمه شعرانی؛ «روش‌شناسی تدوین سیره امامان در بحار الانوار»، ص ۲۸.
۲. صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۳، ص ۱۳۳.
۳. رک: «روش‌شناسی تدوین سیره امامان در بحار الانوار»، صص ۲۸.





شیعه اثنی عشریه، مذهب حاکم ایران عصر صفوی

در عصر صفوی مذهب تشیع مورد توجه و حمایت حاکمان صفوی قرار گرفت و از آن به عنوان مذهب حقه دفاع شد. دقیقاً در همین راستا، مورخان این عصر توجه خاصی به دو واژه «شیعه» و «اثنی عشریه» داشتند و این دو واژه به دو مفهوم محوری در مناقب‌نگاری عصر صفوی تبدیل شدند.

(۱) شیعه

این مفهوم در میان اقطاب صوفیه کاملاً مورد توجه بود و تبعیت و پیروی محض مرید از مراد و مرشد خود نشان‌دهنده حرکت کمالی پیرو در رسیدن به حقیقت در مسیر سلوک الی الله بود. در واقع، صوفیه با طرف‌داری از مفهوم «شیعه» سعی در منطبق ساختن آن با نظام صوفیه داشتند. همچنین، اکثر قریب به اتفاق فرقه‌های صوفیه در بیان سلسله اقطاب خود از امام علی (ع) به عنوان سرسلسله مشایخ خود و قطب اول نام می‌برند، چیزی که حتی امروزه نیز در میان خانقاه‌های ایران رواج تام دارد و برخی فرقه‌های علی‌اللهی تا به امروز نیز امتداد یافته‌اند، اندیشه‌ای که چه بسا تا حدی متأثر از مسیحیت در میان ایرانیان راه یافت و رواج آن را در میان صوفیه قبل از روی کار آمدن صوفیه و آثار مورخان و مناقب‌نگاران آن دوران و عصر صفویه در توجه به شخصیت عیسی مسیح (ع) می‌توان ملاحظه نمود که البته با توجه به شخصیت عیسی مسیح (ع) در کناره‌گیری از سیاست - به اعتقاد مسیحیان - در ایران ماقبل صفوی ظاهراً این گرایش نمود پررنگ‌تر و بارزتری دارد.^{۱۰} مهم‌ترین نویسنده مورد توجه مناقب‌نگاران عصر صفوی نیز علی بن عیسی ازبلی بود که بهترین ترجمه آن توسط مورخ پرکار علی بن حسین زواره‌ای انجام شد، مؤلف توانایی که در تصانیف خویش به تصوف مایل است. به گفته علامه شعرانی «در آن عهد تصوف در شیعه عیب نبود، چنان‌که امروز هم در اهل سنت عیب نیست؛ چون متصوفه اهل دین و تقوا و متشرع بودند و غالباً خود از فقها و محدثین مانند قاضی نورالله تستری و فرق آنها با غیر متصوفه توجه به معنی و تهذیب نفس و تحصیل

مکارم اخلاق بود، نه بدعت و انکار شرع».^{۱۱} البته باید توجه داشت که با روی کار آمدن صوفیه و استفاده آنها از علمای متشرع شیعی، به ویژه از ناحیه جبل عامل لبنان، که کم‌اختلافات میان شیعه و صوفیه، به خصوص در زمینه مناسک‌گرایی، آشکارتر شد.

بدین ترتیب صوفیه توانست خود را در پیوندی عمیق با شیعه، چه با توجه به معنای لغوی و چه اصطلاحی آن، احساس کند، بنابراین صوفیه سیاسی فاقد ایدئولوژی مشخص، در انطباق با شیعه و اصول فکری آن گسترش یافت و در عین حال به استقرار مذهب شیعه نیز در ایران کمک نمود.

(۲) اثنی عشریه

واژه دیگری که بسیار در این عصر مورد توجه قرار گرفت، واژه «اثنی عشریه» است. نویسندگان عصر صفوی تلاش فراوانی نمودند تا مفهوم اثنی عشریه را در یک جهان‌بینی مشخص و نظام هستی‌شناختی مورد بازنگری و توجه مجدد قرار دهند و در عین حال، خود را از سایر فرق شیعه نیز مجزا نشان دهند.

آنها در تلاش جهت ارتباط میان آفرینش و نظام خلقت با ۱۲ امام سعی نمودند تا نظام دوازده‌گانی را با نظام شصت‌گانی پیوند زنند و مراحل شش‌گانه آفرینش، نمادهای دوازده‌گانه پیام و گردش شب و روز، همچون ۱۲ ماه و ۲۴ ساعت و ۶۰ دقیقه و ۶۰ ثانیه را با خلقت نور ۱۲ امام و پنج تن آل‌عبا پیوند زنند و در گام بعدی، با تمسک به احادیث پیامبر اکرم (ص) که خلفای امتش را ۱۲ و فرق منشعب از امتش را ۷۲ معرفی می‌نمود، به اثبات حقانیت فرقه ناجیه، یعنی شیعه اثنی عشریه بپردازند.

بخش دیگر کتب مناقب‌نگاری به احادیثی اختصاص دارد که سعی دارند سابقه مفهوم دوازده‌گانی را در بعد سیاسی به عصر نبوت و رسالت پیامبر اکرم (ص) بازگردانند، موضوعی که به عنوان باهایی در مجامع حدیثی شیعه و سنی، از جمله صحاح سته اهل سنت، بدل شده و از عصر صفویه به بعد، به نحو گسترده‌ای از جانب علمای حدیث و مناقب‌نگاران مورد توجه و ارزیابی قرار گرفته است.^{۱۲} تبویب این گونه

۱۱. ترجمه المناقب، ج ۱، ص ۱۳، مقدمه شعرانی.

۱۲. نک: مجموعه احادیث و اخبار ائمه، برگهای ۱۱۵-۱۲۵، ۱۳۹-۱۴۲، ۲۲۹، ۲۳۴، ۲۴۵، ۲۴۲.

ترجمه المناقب، ج ۱، ص ۲.



است و صفویان نیز در این زمان سعی در استفاده از این وجه مشترک جهت ایجاد تقریب و نزدیکی میان فرق اسلامی داشته‌اند. البته خواندن علی با عناوینی همچون «امیرالمؤمنین» و «وصی پیغمبر» گویای این است که ظاهراً وی علی را جانشین بر حق پیامبر می‌دانسته است.^{۱۷} ولی با وجود این، هیچ‌گونه اشاره‌ای به واقعه سقیفه و یا دیگر وقایع سیاسی اختلاف برانگیز نمی‌کند و در وقایعی نیز که ناگزیر از بیان آنها است، سعی در بیان تفسیری به دور از اختلاف میان فریقین دارد؛ به عنوان مثال، او در بیان رحلت حضرت زهرا(س) تنها به رنج فراق دختر از پدر بسنده می‌کند و متعرض روایات دیگر که می‌توانند منشأ اختلاف گردند، نمی‌شود.^{۱۸} همچنین، وی پس از نامهای علی، حسن و حسین از «علیه السلام» و پس از نام زهرا از «سلام الله علیها» استفاده کرده است که نشان دهنده احترام کامل ایشان به این بزرگان است.^{۱۹}

اما از سوی دیگر باید گفت که او دارای فرزندانی اهل ادب و تاریخ بوده و یحیی بن عبداللطیف حسینی قزوینی از مورخان بزرگ دربار شاه طهماسب صفوی ظاهراً از فرزندان وی بوده است. یحیی مؤلف لب التواریخ در سال ۹۴۸ق است که آن را به بهرام میرزا برادر شاه طهماسب تقدیم کرده است. با وجود حمایت بهرام میرزا، شاه طهماسب او را به این اتهام که «رئیس سنیان قزوین است» زندانی کرد. در صورت پذیرش این مطلب و اثبات اینکه یحیی فرزند عبداللطیف، نویسنده رساله مورد بحث است، باید گفت که عبداللطیف نیز به احتمال زیاد سنی بوده و برتر بودن علی نسبت به دیگر خلفا به معنای عدم پذیرش درستی خلافت دیگر خلفا نزد وی نبوده است. اما دو تن از فرزندان یحیی نیز کارهای ادبی پدرشان را ادامه دادند: میرعبداللطیف قزوینی معلم اکبر امپراتور مغولی بود و میرزا علاءالدوله «کامی» قزوینی نفاتس المآثر را تألیف کرد. نوه یحیی، نقیب خان یکی از مترجمان متن هندی مهابهارات بود.^{۲۰}

آثار نیز در ۱۲ باب جالب توجه است؛ گویی هر امام را بایی و رسول را مدینه العلم می‌دانسته و براساس چنین اندیشه‌ای به تدوین کتاب خود پرداخته‌اند.^{۲۱} همچنین، کاربرد لقب «صفوة» برای «برگزیدگان» دو طایفه شیعی و صوفی نیز در میان مناقب‌نگاران جالب توجه است. این اصطلاح در عنوان کتابی نوشته ابن‌بزاز در ذکر مناقب، فضایل و کرامات شیخ صفی‌الدین اردبیلی، جد اعلای پادشاهان صفوی، درخشش خاصی دارد: «صفوة الصفا: مواهب السنیه فی مناقب الصفویه».^{۲۲} این اصطلاح را نزد اربلی و زواره‌ای نیز در تمجید از اهل بیت می‌توان یافت: «ایشان (ائمہ اثنی عشر) برگزیدگان اله‌اند در میان عباد، و صفوة اویند از حاضر و باد...».^{۲۳} حسینی نیز در تاریخ ائمه در ذکر القاب معصومان دقت خاصی دارد و یکی از القابی که برای پیامبر اکرم(ص) ذکر می‌کند، «صفوة الصفوة من الأئیین الأطهار» است.^{۲۴}

تاکنون پژوهشهای نسبتاً گسترده‌ای درباره مناقب‌نگاری اهل بیت و تاریخ‌نگاری ائمه، به ویژه در میان شیعیان، صورت گرفته است، اما فهرستهای موجود از نسخ خطی نمایانگر حجم عظیم کارهای انجام نشده در برابر کارهای صورت گرفته است.

معرفی نویسنده کتاب

این رساله نوشته عبداللطیف به سال ۹۲۱ق است. وی اهل قزوین بوده و در تسنن و یا تشیع وی نمی‌توان با قطعیت سخن گفت، به ویژه که وی در این رساله به دنبال ذکر مناقب و کرامات پنج تن آل‌عبا بوده و به هیچ‌وجه متعرض حوادث تاریخی اختلاف برانگیز بین شیعه و سنی نمی‌شود. به نظر می‌رسد وجود جماعتی از سنی و شیعه در محل سکونت ایشان در اتخاذ چنین رویکردی بی‌تأثیر نبوده است. هرچند که به نظر می‌رسد اکثریت مردم این منطقه در اوایل قرن دهم سنی بوده‌اند، ولی محبت اهل بیت نیز در میان جماعتی از شیعه و چه سنی رواج تام داشته

۱۳. از جمله نک: انیس المؤمنین؛ صفوة الصفا؛ مواهب السنیه فی مناقب الصفویه.

۱۴. تاریخ نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی، ص ۱۶.

۱۵. ترجمه المناقب، ج ۱، ص ۴.

۱۶. تاریخ ائمه، برگ ۱.

۱۷. مناقب، برگ ۱۰۶.

۱۸. همان، برگهای ۹۴-۹۹.

۱۹. همان، برگ ۹۳.

۲۰. تاریخ نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی، ص ۲۰.



محتوای کتاب

این نسخه خطی را می‌توان اثری در راستای ذکر مناقب پنج تن آل‌عبا دانست که به ترتیب دوران حیات پیامبر اکرم، فاطمه زهرا، علی، حسن و حسین (علیهم‌السلام) را مورد توجه قرار داده است. با نگاهی به چگونگی تبویب این کتاب می‌توان به نقاط عطف مورد توجه عبداللطیف در ذکر دوران حیات پیامبر و اهل‌بیت ایشان پی برد: فقه حضرت خاتم النبیین؛ مولود حضرت رسول؛ یتیم شدن حضرت رسول (ص)؛ شکافته شدن سینه حضرت رسالت؛ تجارت کردن حضرت رسول جهت خدیجه؛ نزول وحی؛ معراج؛ هجرت؛ بعضی از کرامات حضرت سید عالم؛ جنگ بدر کبری؛ جنگ احد؛ جنگ خیبر؛ وفات حضرت سید المرسلین؛ ولادت حضرت خواتون قیامت (علیها السلام)؛ نکاح بستن حضرت زهرا با علی مرتضی؛ وفات خاتون قیامت (علیها السلام)؛ مولود حضرت امیر مؤمنان؛ بعضی از فضایل مرتضی علی؛ شهادت حضرت امیر؛ مولود امام حسن و فضایل او؛ شهادت امام حسن؛ مولود امام حسین؛ بیعت طلبیدن جهت یزید از امام حسین؛ عداوت اصلی و فرعی میان امام حسین و یزید؛ فرستادن مسلم بن عقیل به کوفه و شهادت او؛ شهادت پسران مسلم بن عقیل؛ خبر دادن جبرئیل حضرت رسول را از شهادت امام حسین؛ رفتن امام حسین به کوفه و رسیدن به زمین کربلا؛ شهادت امام حسین و خویشان و موالیان؛ وقایعی که اهل‌بیت را بعد از شهادت امام روی نمود؛ فرستادن سر امام حسین و عورات به دمشق؛ عقوبات فاتلان امام حسین.^{۲۱}

اما عبداللطیف اثر خود را چگونه آغاز می‌کند؟ همان‌گونه که اشاره شد، مورخان عصر صفوی سعی در ایجاد پیوند میان نظام سنی و اندیشه امامت و ولایت با خارق‌العاده نمودن آن از طریق برقراری ارتباط میان این پدیده با مفهوم دینی ۱۲ امامی در تشیع اثنی عشریه داشتند. از جمله نمونه‌های بارز در این زمینه، می‌توان به عبداللطیف اشاره نمود؛ وی در ابتدا پس از یک صفحه تمجید و تعریف از مقام شامخ نبی مکرم اسلام و ذکر یک شعر، اول خلقت پروردگار را بر مبنای حدیثی از پیامبر نور

محمد(ص) می‌داند و ماجرای آفرینش را بر مبنای عدد ۱۲ به دوره‌هایی تقسیم‌بندی می‌کند؛ از جمله، در مقام محبت به پنج دوره ۱۲ هزار ساله و آفرینش ۱۲ حجاب توسط حق تعالی که «در هر حجابی ۱۰۰۰ سال بداشت و آن حجب را مقام عبودیت گردانید»، اشاره می‌کند.^{۲۲} پس از بیرون آمدن نور از این حجب دوازده‌گانه؛ یعنی پس از ۱۲ هزار سال، نیز آدم آفریده شد.

مؤلف ماجرای خلقت را تا ازدواج عبدالله و آمنه به دنبال توطئه یهود دنبال می‌کند و در هر بخشی که می‌نویسد، آن را به شعری می‌آراید.^{۲۳} وی میلاد پیامبر(ص) را در سال فیل، ۸۸۲ سال پس از بعثت عیسی مسیح(ع) دانسته است؛ در زمانه‌ای که «در بلاد عرب، به جز بت‌پرستی به امر دیگر نمی‌پرداختند و در دیار عجم به جز متابعت شیطان هیچ کاری نمی‌کردند».^{۲۴} جالب اینکه مؤلف برخی گزاره‌های منابع تاریخی را نیز به اشتباه آورده است که برای نمونه می‌توان به وفات آمنه در سن شش ماهگی پیامبر اشاره نمود.^{۲۵}

وی در ضمن بیان مطالب، هیچ توجهی به ذکر مراجع خود ندارد و بیشتر به دنبال بیان کرامات معصومان و نشان دادن علو مقام آنان در قالب نثر و نظم است. اختصاص بایی به معجزات پیامبر نیز نشان دادن نیت مؤلف از نگارش چنین اثری در خارق‌العاده نشان دادن جایگاه معصومان است، قصدی که در این اثر به خوبی هویدا است. وی از باب ۸۷، یعنی ذکر وفات رسول‌الله(ص)، به آغاز کردن مجالسی می‌پردازد که «در مقتل و دهه متبرکه عاشورا خوانده می‌شود».^{۲۶} ذکر اشعار فراوان برای هر مناسبت و ماجراهای مردم‌پسند، چه برای مولودی و چه مصیبت، کاملاً نشان‌دهنده کارکرد چنین اثری در جامعه عصر شاه ظهاسب صفوی است. همچنین، شاید بتوان تبویب این کتاب را در ذکر وقایعی خاص تصادفی ندانست؛ به عبارات دیگر، این وقایع در تقویم آن روزگار ایران چه بسا مورد توجه دولتمردان و مردم قرار داشته است و

۲۲. مناقب، برگ ۲.

۲۳. همان، برگ ۲.

۲۴. همان، برگ ۷.

۲۵. همان، برگ ۱۳.

۲۶. همان، برگ ۷۵.

۲۱. این ابواب براساس باب‌بندی این کتاب، ابواب ۷۴ تا ۱۰۶ کتاب را شامل می‌شود؛ دیگر ابواب این کتاب یافت نشد.

مؤلفان سعی کرده‌اند تا با نگارش آثاری در جهت فراهم نمودن مطالبی برگزیده برای استفاده در این مراسمها گام بردارند، چیزی که مؤلف این اثر نیز از باب ۸۷ به آن اشاره دارد. همچنین، می‌توان چنین تصور کرد که تکریم و بزرگداشت چنین ایامی در ایران کاملاً در راستای استقرار ایدئولوژی شیعی در جامعه عصر صفوی قرار داشته و زمینه را برای پذیرش مکتب تشیع در بین مردم عامه آسان‌تر نموده است.

مراجع مورد استفاده مؤلف

با وجود عدم تقید مؤلف در ذکر منابع و مآخذ خود، می‌توان نام برخی از مراجع مورد استفاده وی را در لابه‌لای کلمات این رساله یافت: اعلام‌الوری، روضه‌النواعظین شیخ مفید، لطایف البساتین سیف‌النظیر طوسی، بنسایر المصطفی، روضه‌الأحباب، معارج، شواهد، دلائل مستغفری، تواریخ مولانا کاتبی، صحیفه رضویه، صحیحین، فصل الخطاب، کنز الغرایب، مصابیح القلوب، نور الأئمه، مقتل اسمعیل، تاریخ العالم، کتاب الریاحین، عیون الرضا، مرآت الجنان و کتب سیر.^{۲۷} همچنین، وی در بیان روایات معسولاً یا نام‌راوی را ذکر می‌کند و یا از عبارات «نقل است»، «منقول است»، «قول دیگر»، «در اخبار آمده است»، «در بعضی کتب [سیر] مسطور است که»، «در سیر آورده که»، «در کتاب تواریخ آورده که»، «در بعضی تفاسیر آورده که»، «بعضی گفته‌اند که»، «در روایت چنین آمده»، «در بعضی روایات آمده»، «آورده‌اند که» و «چنین گویند که» استفاده می‌کند. از جمله راویان نیز می‌توان به آمنه، رسول اکرم (ص)، علی (ع)، امام جعفر صادق (ع)، ابن عباس، ام‌سلمه، عبدالله بن علی بن حسین، جابر بن عبدالله انصاری، عقیل بن ابی‌طالب، عبدالرحمن بن عوف، معاذ و حسن بصری در میان قدما، و اسمعیل کازرونی (صاحب سیر)، عبدالله مبارک، ابوالمؤید خوارزمی و ابوالمفاخر رازی از میان متأخران^{۲۸} اشاره نمود. همچنین، وی از افرادی نیز استماع حدیث کرده است که در این

۲۷. همان، برگهای ۸۴، ۹۰، ۹۱، ۱۰۰-۱۰۳، ۱۱۲، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۷۵، ۱۸۴، ۱۸۸، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۳ و ۲۲۶.

۲۸. همان، برگهای ۷۹، ۱۵۴، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۱ و ۲۲۴.

میان می‌توان به «حضرت بندکی مخدومی مولانا عبدالعلی غفرالله عنه» اشاره نمود.^{۲۹}

همان‌گونه که اشاره شد، وی به نظم و نثر مسجع در بیان تاریخ علاقه داشته و نمونه‌های این اشعار در این رساله فراوان است. به عنوان نمونه، وی در باب میلاد نبی در دو بیت اعداد ده‌گانه را آورده است که ذکر آن در اینجا خالی از لطف نیست:

۱۰ بار ز ۹ سپهر و از ۸ بهشت / ۷ اخترم از ۶ جهت این نامه نوشت.

کز ۵ حواص و ۴ ارکان و ۳ روح / ایزد به ۲ کون چون تو ۱ بت نسرشت.^{۳۰}

به هر حال آنچه مسلم به نظر می‌رسد اینکه عبداللطیف شاعر بوده و خود نیز شعر می‌گفته است. وی صاحب اربعین حدیثی در باب مناقب حضرت علی (ع) بوده که معنی هر حدیث را در دو بیت به نظم درآورده و مجموع این احادیث و اشعار را در این رساله به طور کامل آورده است.^{۳۱} وی از برخی از شعرا نیز اشعاری را آورده است که برای نمونه می‌توان به جامی، سنایی و فریدالدین عطار نیشابوری اشاره نمود.^{۳۲} اما در بسیاری از اشعار بدون ذکر نام شاعر به ذکر اشعار پرداخته است و شاعر اکثر این اشعار مجهول است.

نتیجه‌گیری

پادشاهان صفوی تلاش داشتند تا با حمایت از مناقب‌نگاری ائمه اطهار که به نوعی دنباله مناقب‌نگاری صوفیانه سنی و شیعه بود، بنیان مشروعیت حکومت خود را در ایران، به ویژه در برابر خلافت عثمانی، مستحکم سازند. آنها در این زمینه به ویژه بر دو اصطلاح شیعه و اثنی عشریه تأکید خاص داشتند. جلوه تمام‌نمای چنین نگرشی را در کتاب مناقب نوشته عبداللطیف فزونی به وضوح می‌توان مشاهده نمود. وی بنیان خلقت را بر عدد ۱۲ قرار داده و نور محمدی و اهل بیت عصمت و طهارت را سرمنشأ خلقت دانسته است. وی در همین راستا از

۲۹. همان، برگ ۶۶.

۳۰. همان، برگ ۱۰.

۳۱. همان، برگهای ۱۱۳-۱۱۹.

۳۲. همان، برگ ۱۲۹ (زنت).





اشعار فراوانی بهره برده است و تاریخ حیات پنج تن آل‌عبارا ضمن ابواب ۷۴ تا ۱۰۶ کتاب خود آورده است. او همچون روضه الشهداء کاشفی بیش از همه اهل بیت به امام حسین (ع) و ماجرای شهادت ایشان توجه داشته است و به نظر می‌رسد که این اثر به عنوان اثری حکومتی در توجه به وقایع مهم تقویم اسلامی جهت استفاده در مراسمهای اسلامی تألیف یافته است و انتخاب عناوین

کتابنامه

ابواب این کتاب با وجود وقایع مختلف تاریخ صدر اسلام جای تأمل دارد. نویسنده در ذکر منابع خود توجه کافی ندارد و همین نیز فرضیه مذکور را در نگارش این اثر توسط نویسنده برای عوام در مراسمهای عمومی تقویت می‌کند و البته در عین حال از ارزش آن به عنوان اثری تاریخی می‌کاهد.

۱. ابن بزاز، صفوة الصفا: مواهب السنية في مناقب الصفيوية، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی شماره ۱۳۶۶۵.
 ۲. اربلی، علی بن عیسی، ترجمة المناقب، ترجمه علی بن حسین زورده‌ای، با مقدمه میرزا ابوالحسن شعرانی، تصحیح: سید ابراهیم میانجی، تبریز: انتشارات حاج محمدباقر کتابچی حقیقت، جمادی الثانی ۱۳۸۱ق.
 ۳. تهرانی، آقابزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
 ۴. جعفریان، رسول، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، قم، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ش.
 ۵. حسین‌زاده شانه‌چی، حسن، «روش‌شناسی تدوین سیره امامان در بحار الانوار»، مجله نامه تاریخ پژوهان، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۸۶ش.
 ۶. حسینی، عبدالله بن محمدرضا، تاریخ ائمه، کاتب: محمدحسن (شوال ۱۲۴۲ق، کرمانشاهان)، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی شماره ۱۴۴۸۱/۳.
 ۷. حموی، محمد بن اسحاق، انیس المؤمنین در احوال نبی اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام، تصحیح: میرهاشم محدث، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی؛ شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۶ش.
 ۸. رفاعی، عبدالجبار، معجم ما کتب عن الرسول و
- اهل‌البیت، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۱ش.
۹. عبداللطیف، مناقب، نسخه خطی کتابت شده در قرن ۱۰ق، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی شماره ۲۸۹۴.
 ۱۰. فهرست رایانه‌ای نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، از ۲۲۷ تا ۵۵۳.
 ۱۱. کوئین، شعله آلیسیا، تاریخ نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی: اندیشه، گردهم‌برداری و مشروعیت در متون تاریخی عهد صفویه، ترجمه منصور صفت‌گل، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
 ۱۲. مجموعه احادیث و اخبار ائمه، از نویسنده‌ای ناشناخته، کتابت: سده ۹، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی شماره ۶۲۴.
 ۱۳. منزوی، احمد، فهرست‌واره کتابهای فارسی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
 ۱۴. ورامینی، محمد بن ابی‌زید حسنی علوی، احسن الکبار فی مناقب الائمة الأطهار، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی شماره ۱۵۲۱۲.